

عنوان مقاله:

تعیین رابطه مهارت تفکر استراتژیک و هوشهای چندگانه (مبتنی بر نظریه هوشهای چندگانه هاوارد گاردنر) در بین مدیران بازرگانی و فروش

محل انتشار:

فصلنامه مدیریت بهره وری، دوره 2، شماره 1 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

سلیمان ایرانزاده - استادیار و عضو هیات علمی، گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

علی صادقی - مربی و عضو هیات علمی، واحد طبس، دانشگاه آزاد اسلامی، طبس، ایران

خلاصه مقاله:

در محیط بسیار متغییر امروز، درک شرایط و پیش بینی روندهای اصلی آن تنها راهی است که سازمانها می توانند با استفاده از آن برای قرار گرفتن در جایگاهی بهتر نسبت به رقبا سود برند، و این میسر نمی شود مگر در سایه استفاده از مدیرانی که دارای سطح بالایی در مهارت تفکر استراتژیک هستند. در این تحقیق سعی شده تا با استفاده از نظریه هوشهای چندگانه که از جمله مطرح ترین نظریه های هوش در سالهای اخیر می باشد، و با توجه به اهمیت فراوانی که این نظریه برای توانایی های گوناگون انسانی و تفاوت های فردی قائل شده است، سازمانها را در انتخاب مدیرانی با توانایی های بالا در هوشهای مرتبط با تفکر استراتژیک یاری دهیم تا بتوانند به کمک آن از مزایای حاصل در جهت ایجاد یک مزیت رقابتی بی بدیل سود برند. با توجه به هوشهای چندگانه گاردنر فرضیات تحقیق اینگونه طراحی گردیدند: بین مهارت تفکر استراتژیک و هوشهای زبانی / کلامی، ۱، منطقی / ریاضی، ۲، بدنی / جنبشی، ۳، بصری / فضایی، ۴، موسیقایی / موزون، ۵، هوش درون فردی، ۶، هوش میان فردی، ۷ رابطه وجود دارد. بر اساس نتایج حاصله از آزمون فرضها، بین سه هوش از هوشهای هفتگانه گاردنر (بصری / فضایی، منطقی / ریاضی، میان شخصی) و قدرت تفکر استراتژیک ارتباط معنا داری مشاهده شد. ۱ - Verbal/Linguistic ۲ - Logical/Mathematical ۳ - Bodily/ Kinesthetic ۴ - Spatial ۵ - Musical ۶ - Interpersonal ۷ - Interpersonal

کلمات کلیدی:

تفکر استراتژیک، هوشهای چندگانه، هوش زبان/کلامی، هوش منطقی/ریاضی، هوش بدنی/جنبشی، هوش بصری / فضایی، هوش موسیقایی/موزون، هوش درون فردی، هوش میان فردی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1382801>

